طلوع

دانشجو؛ عدالت خواه استکبار ستیز ولایت مدار

دولت ملت و همدلی و همزبانی

نشریه سیاسی ، فرهنگی ، دانشگاهی انجمن اسلامی دانشجویان ۱۳۵۸ / سال دوم/ شماره ۳ / آذرماه ۱۳۹۴/ قیمت ۵۰۰ تومان

امام خامنه ای:

ما به آنها می‌گوییم شما ۲۵ سال آینده را اصولاً نخواهید دید و به فضل الهی، چیزی به‌نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت.

نور چشمی های دانشگاه...

پارادایم سقوط

صفحه ۲

از شعار تا عمل دولت تدبیر و امید

صفحه ۳

ازاقتصاد مقاومتی تا اقتصاد وارداتی

صفحه ۴

* حسین بانشی *

سه قدم تا شناخت نفوذی ها

صفحه ۲

* محمدرضا نظری *

۱۱ سپتامبر دیگری در پاریس

صفحه ۳

* صادق فتح نیا *

چهارمین قدرت موشکی جهان

صفحه ۴

فروش خودرو مهم تر از ازدواج جوانان

صفحه ۵

اگر چه صنفی اما سیاسی!؟

صفحه ۶

سرمقاله

آذرماه برای جامعه دانشگاهی ما یادآور خاطرات تاثیر برانگیز از یک بعد و افتخار برانگیز در بعد دیگر است. اگر خوب گوش فرادهیم، هنوز صدای دانشجویان مظلوم از جای جای دانشگاه شنیده میشود. صدایی که شاید آخرین حرف و خواسته قلبی دانشجویان بود. هنگامی که نظامیان کوردل به دستور اربابان خود فروخته خود وارد دانشگاه شدند و دانشجویان را مورد بازخواست و بازرسی قراردادند. آری، آن هنگام ۱۶آذر سال ۳۲ در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود که دانشجوی بیدار و آزادی خواه که تاب تحمل فضای خشونت بار و بسته توهین آمیز آن را نداشت به ناگاه بغض سینه اش ترکید و فریاد برآمده از سینه جان سوز خود سرداد که « دست نظامیان از دانشگاه کوتاه باد». نظامیان دست نشانده ای که همچون اربابان خود مدال نوکری مستکبرین جهان را یدک می کشیدند. جا دارد ما هم امروز هم صدا با آنها فریاد بزنیم که دست بیگانگان از دانشگاه کوتاه باد. دست سیاست زدگان از دانشگاه کوتاه باد. دست احزاب سیاسی وعروسک های خیمه شب بازیشان از دانشگاه کوتاه باد. دست آشوبگران و فتنه گران از دانشگاه کوتاه باد و مهم تر اینکه، دست نفوذی ها از دانشگاه کوتاه باد. آری این فریاد امروزمان گویای نفوذ بیگانگان ازکانال تربیت یافتگانشان و فتنه گران و عاملانشان درفضای فرهنگی و سیاسی دانشگاهمان است. کسانیکه به بهانه های مختلف و با چراغ سبزهای مسوولین وارد دانشگاه میشوند و دست به فتنه گری میزنند.۱۶ آذر۳۲، سه تن از دانشجویان ما شربت شهادت را با جان دل نوشیدند تا از نفوذ بیگانگان جلوگیری کنند و چه بی شرم بودند زمام داران وقت که برای ورود نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا امید های مملکت خود را قربانی کردند. تاریخ به ما میگوید که چه خون ها از جوانان ما ریخته شد تا از نفوذ بیگانگان و عاملانشان به دانشگاه ها جلوگیری شود تا فضای دانشگاه آرامش داشته باشد و محیای رشد علم و فن آوری و رشد علوم انسانی اسلامی باشد. اما روزشمار تاریخ ذهن ما ثبت میکند که چگونه زمامداران و مسولین دانشگاهی به پیاده نظام های بیگانگان اذن ورود به دانشگاه را میدهند و فضای آرام دانشگاه را نا آرام میکنند تا رشد علمی و ثمره های دانشگاه را قربانی سیاسی بازی های خود کنند تا آنجا که رهبر فرزانه انقلاب هم چندین بار تذکر بدهند که رشد علمی دانشگاها افت کرده است. گویا مسوولین ما بعضا، خون ریخته شده ی جوانان و نخبگان در راه پیشرفت این مرز و بوم را فراموش کردند که انشاا... این فرض اشتباه است.

اگر کمی به اخبار و اطلاعات اطرافمان دقت کنیم و چشم و گوشمان را باز کنیم متوجه می شویم که بعضاA افراد و اشخاص یا گروه هایی هستند که تو جامعه بلد و برجسته اند، البته در اینجا برجسته بودن در بعد منفی قضیه است.

این افراد چه ویژگی هایی دارند؟ از جمله ویژگی های این افراد این است که همیشه در کمینند تا بتوانند از رانت های اطلاعاتی ، مالی و اقتصادی که در اختیارشان قرار می گیرد در جهت اهداف خویش بیشترین استفاده را ببرند. ویژگی دیگر آنها این است که زمانی شرایط و اسباب و وسایل به نفع و برای آنهاست بار هفت پشت خود را ببندند و با اختلاس ها و رانت خواری های خود آنقدر نفوذ می کنند که گاهی قوانین را دور میزنند و گاهی هم مسئولین با مصلحت باهاشون برخورد می کنند. چند سالی هست که این افراد در بین مردم به عنوان آقازاده جا افتادند، آقازاده هایی که همچون آقازاده معروف (م.ه) به دلایلی که نام بردم از چنان پشتوانه ای برخوردار بود که هر کاری از جمله اختلاس، اختلال در امنیت ملی و بی قانونی های پی در پی و... می خواست انجام می داد و به قولی پشتش گرم بود. آقازاده در پرونده های پر حاشیه ای مانند «کرسنت»، «استات اویل»، «توتال» دستی بر آتش داشت که اگر بخواهیم وارد جزئیات این پرونده ها بشویم اولا خود مقاله ها یی ده ها صفحه ای می طلبد ثانیا از موضوع بحث دور می شویم. فقط می توان به عنوان مثال گفت که این آقازاده کسی است که چند سال پیش در مکالماتی که با نیک آهنگ کوثر روزنامه نگار ضد انقلاب داشت، درخواست کرده بود تا تحریم ها علیه ایران افزایش یابد، چنانکه نیک آهنگ کوثر در تیرماه سال ۹۲ درباره مکالماتش با «مهدی هاشمی» در سایت ضد انقلاب «خود نویس» نوشت: «تماس تلفنی ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰ «مهدی هاشمی» با «سردبیر خود نویس» [کوثر] طولانی نبود امّا مفهومش سنگین بود. «هاشمی» پیشنهاد کرد که وی با افرادی در «وزارت خزانه‌داری (ایالات‌متحده)» در تماس باشد و برای افزایش تحریم‌ها علیه ایران تلاش کند... این کار تنها حرکت ضد امنیتی آقازاده نبود بلکه ما رعایت حوصله مقاله می کنیم و می گذریم... خب هر چی باشه آقازاده هست که من در این مقاله لقب نورچشمی را بکار می برم و میگویم: هر چی باشه «نورچشمی حاج آقا» هست. (هر چند خدا را شکر می کنم برای اینکه بلاخره قانون این نورچشمی را روانه ی زندان کرد تا تاوان گوشه ای از جرم های خود را بدهد).قضیه نورچشمی ها و آقازاده های جامعه به عنوان یک کل شباهت بسیاری با نورچشمی های دانشگاه ما دارد، آره درست متوجه شدید تو دانشگاه ما که عنوان دانشگاه مادر و قطب علمی جنوب شرق کشور را یدک می کشد نورچشمی هایی داریم که نورچشمی مسئولین هستند. نورچشمی هایی که با نامه مستقیم مسئولین دانشگاه به صورت غیر قانونی در انتخابات نمایندگان مدیران مسئول نشریات دانشگاه های سراسر کشور که همین اردیبهشت ماه برگزار شد شرکت می کنند، نورچشمی هایی که غیرقانونی تشکل تاسیس می کنند و انتخابات برگزار می کنند، نورچشمی هایی که نه تنها مسئولین دانشگاه بلکه از طرف ارگان های دولتی بیرون از دانشگاه هم حمایت می شوند و این چنین است که تشکلی دولت ساخته بوجود می آید، نورچشمی هایی که بی محابا هنجار شکنی می کنند و به مقدسات و ارکان نظام توهین می کنند، نورچشمی هایی که برای به آشوب کشاندن دانشگاه و استان، شب نامه هایی توهین آمیز نسبت به اقوام ایران زمین پخش می کنند، کسانی که بدون هراس از قوانین دانشگاه دست به شعبون بی مخی میزنند، تحدید می کنند و شیشه های برد های خبری را می شکنند و با خیال این که اینجا چاله میدان است گردن کشی می کنند و با کارهای شعبون بی مخی به ضرب و شتم دانشجویان می پردازند و فحش و ناسزا می گویند، نورچشمی هایی که از لحاظ انظباطی و اخلاقی مشکل دارند تا جایی که بعضا حکم قضایی دارند و مجرم شناخته می شوند ولی با این حال آزادانه در دانشگاه می چرخند و مشغول فتنه گری جدیدی هستند. نور چشمی هایی که هنوز تاوان جرم های خود، توهین ها و جعل کردن های خود را نداده اند، هنوز تاوان کار های غیر قانونی خود را نداده اند و اگر معجزه ای صورت گیرد و مسئولین بخواهند مطابق قانون باهاشون برخورد کنند باز اشخاص بانفوذی بیرون از دانشگاه نورچشمی ها را در پناه خود حفظ میکنند.

این است مزایای نورچشمی بودن که شما هر عمل غیر قانونی هم که انجام دهی، هستند کسانی که ماستمالیزیشنش کنند و به»قاعده پشتم گرمه» معنا بدهند. داستان نورچشمی ها ی دانشگاه ادامه دارد...

حسن کاربخش

امام خمینی(ره):
با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید. ابرقدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمیترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند.
صحیفه امام ج ۰۲ ص ۹۳۲

ANJOMAN ESLAMI DANESHJOOIAN 1358 STUDENT JOURNAL * NOVEMBER 2015

نشریه فرهنگی ، سیاسی، اجتماعی، صنفی، آموزشی، دانشگاهی انجمن اسلامی ۱۳۵۸

هرچه ضربه خوردیم از نفوذی ها بوده است
سه قدم تا شناخت نفوذی ها

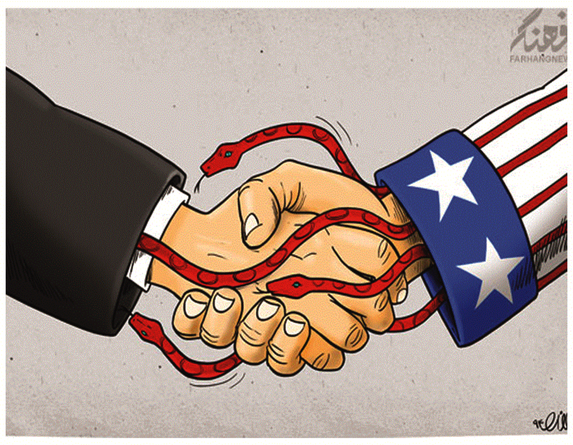

حسین بانشی

ما از شر رضاخان و محمد رضا خلاص شدیم لیکن از شر تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودی ها نجات نخواهیم یافت. اینان برپا کنندگان سلطه ابر قدرت ها بر تمام دنیا هستند و سر سپردگانی که با هیچ منطقی خلع سلاح نمیشوند و هم اکنون با تمام ورشکستگی ها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی برنمیدارند امام خمینی (ره) ۷دی ۱۳۶۰ کمی تامل در این سخنان امام (ره) کافی است تا با گروهی بی منطق آشنا شویم. کسانی که تربیت یافتگان منطق شرق و غرب هستند خوش خدمتانی به نام نفوذی ها البته ناگفته نماند که این نام تعبیر شخصی من از این گروه است واما بعد... . نفوذ، یک پروژه دقیق و حساب شده بود که بعد از نا امیدی دشمنان از ترورها، توطئه ها و کشتارهای اوایل انقلاب و همچنین جنگ تحمیلی کلید خورد. وقتی می بینند امت متحد به وحدت کلمه و بر پادارنده اسلام ناب محمدی(ص) با هیچ حربه ای به زانو در نمی آید و قطار انقلاب روز به روز با اقتدار جلو میرود، هرچه کشته می دهند بیدارتر می شوند و بیداری رمز پیروزی است. آنگاه که تمام کفر در مقابل تمام دین قرار میگیرد نفوذ آغاز میشود. پروژه نفوذ امروز با تمام ابعاد (سیاسی/ فرهنگی / اعتقادی) تنها استراتژی غرب در مقابله با جمهوری اسلامی است و البته مهمترین و حساسترین راهبرد هم همین است. اصولا راهی جز ادامه نفوذ برایشان باقی نمانده. اکنون گذشته از تمام ابعاد کلی و جزئی نفوذ و تشریح آن در این مقاله سعی شده راه های شناختن نفوذی ها و مقدمات آن را در چند گام بطور مختصر تشریح کنیم. البته شناختن نفوذی ها کاری پیچیده و به طبع مشکلی است اما در عین حال با دانستن چند نکته اساسی میتوان قدم به قدم آنها را دنبال کرد و بر تبل رسوایی آنها کوبید، چرا که ما هرچه ضربه خورده ایم از نفوذ بوده است.

قدم اول دشمن شناسی: باید از دشمن شناختی کامل پیدا کنیم و تمام ابعاد دشمنی آن را بشناسیم. تنها با فایق آمدن بر چنین شناختی میتوانیم به مقصود برسیم. نظام استکباری امروز دشمن اصلی و حقیقی تمام مسلمانان دنیا است. نظامی که برآورده شدن ادعای ابرقدرتیش اگر به قیمت جان تمام انسانها تمام هم بشود باز باقی است. قتل ،غارت، جنایت، نسل کشی و تحقیر در حق ملتها از کوچکترین اعمال زشت آنها محسوب میشود پس نظام سلطه را با تمام ابعاد آن در همان قدم اول باید شناخت.

قدم دوم شناختن نفوذی های تاریخ: شناخت شخصیتی نفوذی ها در عصر های گذشته میتواند تیپ های شخصیتی این افراد را کاملا مشخص کند و با افکار و طرز رفتار آنها آشناترمان کند. اما برای روشن تر شدن این قدم چند مثال تاریخی شاید خالی از اهمیت نباشد. ابتدا این افراد را در چند برهه تاریخ اسلام بررسی میکنیم. قصه ی نفوذ در تاریخ اسلام قصه ی پر پیچ و تابی است و شاید شروع آن از ماجرای مسجد ضرار باشد. دشمنان اسلام برای نفوذ در جامعه مسلمانان طرحی از جنس جامعه آن روز دادند و آن ساختن مسجدی در مدینه بود مسجدی که در عین اسلامی بودن قرار بود خانه ای برای نفوذی ها بشود، که البته پیامبر اکرم (ص) پس از مطلع شدن از نیت دشمنان در ساختن این مسجد دستور به تخریب آن دادند و محل آن را به زباله دانی شهر مدینه تبدیل نمودند. اما در ماجرایی دیگر میتوان از شخصی به نام عبدالله ابن عبی نام برد کسی که در جنگ احد زمانی که مسلمانان در محاصره بودند در یک حرکت خیانتکارانه بیش از ۳۰۰ نفر از نیروهای پیامبر را عقب کشید تا موجبات شکست را فراهم کند. همچنین در ماجرایی دیگر حین یکی از غزوات پیامبر در صدد به را انداختن دو قطبی در جامعه بود و میگفت تا پایش به مدینه باز شود دوقطبی مهاجرین و انصار را راه می اندازد. از دیگر شخصیت های نفوذی در تاریخ اسلام میتوان کعب الاحبار را نام برد یا شخصی به نام اشعث و یا در برهه هایی دیگر نقش جریان نفوذی ها در ماجراهایی مانند صلح امام حسن ، شهادت مولای متقیان و جنگ صفین را مشاهده نمود.

قدم سوم مهمترین قدم است: شناختن انسانهای نفوذپذیر مهمترین مرحله است. یک مثال واضح برای شناختن اینگونه شخصیت ها، نفوذکننده ای به نام ابوموسی اشعری است. در واقع اگر بخواهیم این شخصیتها را بهتر معرفی کنیم به یک خصوصیت بارز در همه آنها میرسیم و آن خصوصیت ولایت گریزی است. برخی از مورخان اشعث را نیز جزو این گروه معرفی میکنند چرا که در جنگ صفین دعوت معاویه را برای دیدار پذیرفت و بعد از آن با سخنرانی خود در جمع سپاهیان امام علی (ع) نقش اساسی در پشیمان کردن سپاه امام از جنگ داشتند در حقیقت معاویه بعد از شنیدن خبر سخنرانی اشعث دستور داد قرآن ها را سر نیزه کنند.

با دانستن این سه گام هرکجا بنگریم نفوذی ها را چراغ روشن و قابل شناسایی خواهیم یافت، البته باید در مراحل بعدی روحیه خودباوری و اقتدار را در جامعه تقویت کنیم. راههای نفوذ را برای جامعه تبیین کنیم و از قدرت پوشالی دشمن هراسی نداشته باشیم چرا که اگر کاری از دستشان بر می آمد دست به دامان نفوذ و نفودیان نمیشدند. روشن تر بگویم، اگر آمریکا توانایی مقابله با نظام اسلامی را داشت پروژه نفوذ را کلید نمیزد. و در آخر به این نکته اساسی باید توجه نمود که برای صدمه نخوردن از نفوذ باید دشمن را از خود نا امید کرد همانطور که مولایمان عباس بن علی در میدان کربلا شمر را از امان و امان نامه اش ناامید کرد .

پارادایم سقوط

علی بامری

رژیم آل سعودی چندی است دچار بحران هایی شده است که قسمت اعظمی از کشور های اسلامی و خاور میانه را تحت تاثیر خود قرار داده است . در این نوشتار سعی بر ریشه یابی برخی از این حوادث و الگوی فروپاشی در داخل خاندان آل سعود می پردازیم .

ابتدای بحث مقدمتا به عوامل موثر در شکل گیری و رشد خاندان آل سعود می پردازیم . همانطور که می دانید برای بسط یک حکومت در داخل مرزهای خود چند عامل مهم در کنار هم حضور پیدا می کنند تا به ثبات آن حکومت بیانجامد. این امور در مورد رژیم آل سعود نیز از طریق تاثیر گرفتن از اندیشه های محمد بن وهاب برای تئوریزه کردن عمل خود و همچنین اقتداری که ملک عبدالعزیز بن سعود از طریق شمشیر و خشونت در شبه جزیره عربستان انجام داد صورت گرفت. در این بین کمک غرب بخصوص انگلستان را نمی توان نادیده گرفت. انگلستان با حمایت هایی که از شخص عبدالعزیز بن سعود در تاسیس ژریم آل سعود داشت به حضور در منطقه هچنان ادامه داد، البته این امر به صورت مستقیم نبود بلکه با نشاندن سر سپردگان خود به سیطره خود بر کشور های مسلمان ادامه می داد. به نظر نگارنده مهمترین کمک انگلیس به آل سعود تئوریزه کردن این نوع حکومت و اندیشه های وهابیت در افکار عمومی جهان از طریق رسانه و مراکز دانشگاهی است. گواه این مطلب حمایت اندیشه ای از آل سعود است به طوری که برای اولین بار در انگلستان و در دانشگاه های لندن گفته شد که وهابیت یک رفورمیزم مذهبی است. البته برای انگلستان و عربستان این گونه بده بستان ها بسیار بوده است. به طور مثال حمایت آل سعود از انگلیس در حمله به قدس است که پادشاه عربستان به ملکه انگلستان پیام تبریک می فرستد و حمایت خود را از اشغال فلسطین اعلام می دارد؛ و یا این که نامه عبدالعزیز به نماینده انگلستان است که در زمان قتل عام مردم مکه و مدینه نوشته شد و مسلمانان مکه و مدینه را مشرک خوانده و از انگلیس تقاضای دختری میکند برای ازدواج به این دلیل که مسمانان این مناطق مشرک هستند و من از این مناطق همسری برای خود انتخاب نمیکنم. حال شما خود قضاوت کنید با چنین سر سپرده و جنایتکاری می شود مدارا کرد یا نه؟

در حال حاضر بهترین حالت ممکن برای آمریکا و غرب حضور آل سعود با چنین وضعی در منطقه است. توماس لیپ من نظریه پرداز آمریکایی می گوید که وهابیت بهترین حالت ممکن برای ما در جهان اسلام است. اگر بررسی کوتاهی به سیاست جنگی عربستان بکنیم متوجه میشویم که آل سعود هیچ گاه جهاد علیه غیر مسمانان ندارد هرچه این ها جنایت میکنند هدفشان مسلمانان است؛ از کشتار مردم مکه، مدینه و عراق آن زمان شروع میشود تا الآن که کشتار مردم یمن و حادثه منا است. آل سعود نه تنها در خود عربستان بلکه در کربلا و نجف نیز زمانی به کشتار پرداخته و جان و مال مردم را غارت کرده اند. تاسیس و حمایت از گروه های تکفیری در منطقه جهت ایجاد تفرقه از دیگر کارهای این رژیم است. حکومتی که با وابستگی و نفوذ ایادی استکبار سرپا ایستاده مطمئن باشید توان و عرضه مدیریت در هیچ کاری را ندارد آیا شعار خادم الحرمین کفایت میکند یا خیر؟ آیا شانه خالی کردن از بار مسئولیت امنیت حجاج مسئولیت کمی است؟

امروز آل سعود این حادثه را به حساب قضا و قدر الهی می گذارد، این عذر بدتر از گناه است. شما تصور کنید که در ایام عید نوروز راهنمایی و رانندگی که مسئولیت امنیت جاده ها را بر عهده دارد نظارت و کنترل راهها را انجام ندهد و از قبل پیش بینی احتمال سنگینی عبور و مرور و حوادث را نکرده باشد آیا این خود عذری برای انجام ندادن وظیفه نیست؟ چنین حادثه ای از قبل می توانست با اندکی مدیریت کارآمد رخ ندهد. اسفناک تر از این کمبود آب آشامیدنی در طول مسیر بود که تعدادی زیادی از حجاج به دلیل نداشتن آب آشامیدنی شهید شدند. از بی احترامی به اجساد توسط مامورین که هیچ احترامی برای آنها قائل نشدند.

با توجه به مطالب فوق می توان نمونه هایی از فروپاشی در درون را در خاندان سعودی پیدا کرد. زمانی که وابستگان ملک عبدالله از عرصه قدرت کنار گذاشته می شوند زمزمه اختلافات شروع شد تا جایی که برخی شاهزادگان سعودی ادعای افشا کردند. ولیعهدی محمد بن سلمان جوان که با مخالفت دیگر اعضای این خاندان رو به رو شده است و جنگی بی پایانی که در یمن به راه انداخته اند شاهد این موضوع است که یکپارچگی در آل سعود وجود ندارد.

در آخر یادآور این جمله از بنیانگذار جمهوری اسلامی می شوم که اگر ما از صدام با آن همه جنایت بگذریم از آل سعود نمی گذریم.

چرا بی اعتمادیم ؟؟؟

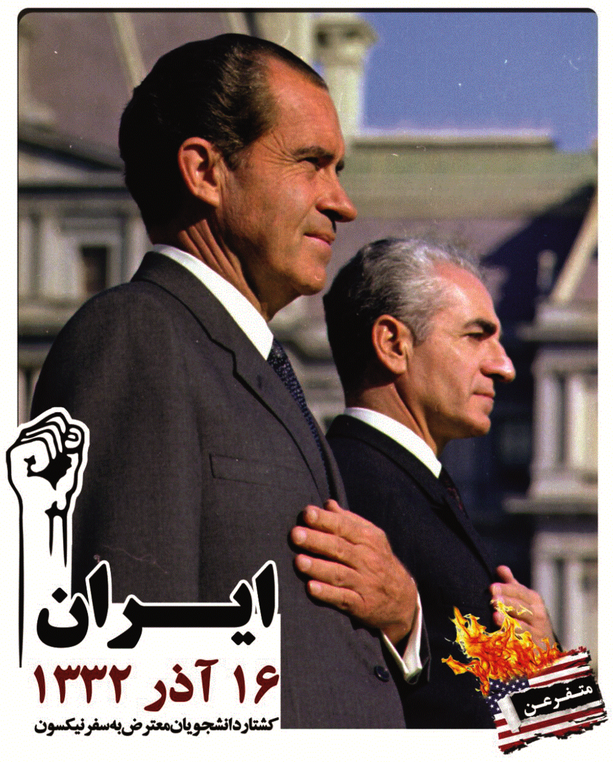

امام خامنه ای(حفظ):

آمریکا می‌گو ید: بیایید مذا کره کنیم. نمی‌گوید: بیا یید رابطه برقرارکنیم. آمریکایی ها نسبت به رابطه، طور دیگری فکر می کنند. آنچه که برای آ نها خیلی مهم است، مذاکره است. می‌خواهند ایران پشت میز مذاکره بنشیند؛ بعد که مذاکره شروع شد، آن وقت سرِ رابطه داستانها و حکایتها دارند.

نشریه فرهنگی ، سیاسی، اجتماعی، صنفی، آموزشی، دانشگاهی انجمن اسلامی ۱۳۵۸
ANJOMAN ESLAMI DANESHJOOIAN 1358 STUDENT JOURNAL * NOVEMBER 2015

از شعار تا عمل دولت تدبیر و امید

محمدرضا نظری

در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ بود که هر کدام از نامزدها با شعار های تبلیغاتی پا به عرصه رقابت گذاشتند و با دست گرفتن شعارهایی که هر کدام از آن ها برای هرشخص و مسئولی آرمان و برای برخی آرزو هست، سعی در جلب نظر مردم به خود و شعارهایشان نمودند. از آنجایی که آقای حسن روحانی با کسب ۵۰ درصد آرا موفق به نشستن بر روی کرسی ریاست جمهوری شدند، سعی داریم برخی از شعارهای ایشان که در آن زمان مطرح کردند و میزان جامه عمل پوشاندن به آن ها را بررسی کنیم. در بین شعار های ایشان می توان به برخی از مهمترین آنها که به شرح زیر است اشاره کرد:

- بازگشت عزت به پاسپورت و غرور و عزت ایرانی
- رونق اقتصادی در ۱۰۰ روز ، یک سال و ...
- باید کاری کنیم که دست دولت به سوی مردم دراز شود نه دست مردم به سوی دولت
- سانتریفیوژها باید بچرخد و زندگی مردم نیز باید بچرخد
- ایجاد فضای آزاد دانشجویی
- توزیع عادلانه ثروت
- از بین بردن مقوله رانت و فساد
- کاهش خرج های اضافی دولت و....

که در طی چندین مقاله به بخشی از این شعارها و میزان تحقق آنها خواهیم پرداخت. در این یادداشت به شعار « بازگشت عزت به پاسپورت و غرور و عزت ایرانی » می پردازیم و با توجه به اینکه حدود دو سال و اندی از سرکار آمدن دولت تدبیر و امید می گذرد می خواهیم میزان تحقق آن را در طی این دو سال را بررسی کنیم.

در ادامه به چند مورد از این بازگشت غرور ایرانی و عزت به پاسپورت اشاره می کنیم؛

۱- در همین چند روز پیش اتفاق عجیبی رخ داد که با توجه به اینکه تیم ملی فوتبال کشورمان در حال آماده سفر به کشور گوام برای دیدار با تیم ملی این کشور بود، ویزای چند تن از بازیکنان کشورمان صادر نشد که علت آن این است که کشور گوام باید از امریکا اجازه بگیرد چرا چون تحت سلطه آمریکا است و تا اجازه نگیرد حق اجازه کاری را ندارد. نکته جالب این است که فکر کنم کسی نیست که تا به حال اسم گوام را تا قبل از این مسابقات فوتبال شنیده باشد، اما کار ما به جایی رسید

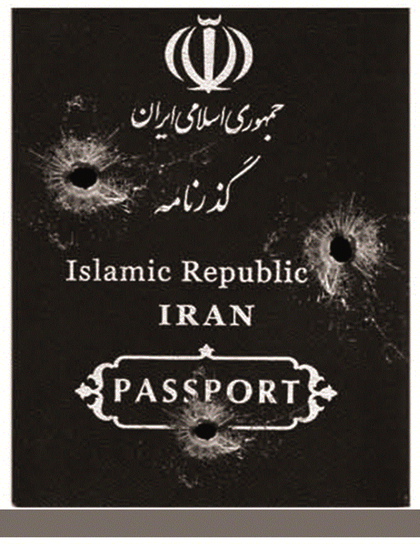

که کشوری مانند گوام که بقول معروف در زیر پونس روی نقشه جغرافیا قرار دارد و در کره جغرافیا مشخص نیست و جزء کوچکترین و گمنام ترین کشورهاست هم برای ما شیر شده است. پس شاید برای بازی بعد با تیم ملی سائوتومه و پرنسیپ - نام کشوری در آفریقا- هم

به مشکل بر بخوریم(مگه میشه، مگه داریم).

۲- صادر نشدن ویزا برای وزرای دولت تدبیر و امید؛ آقایان جنتی (وزیر فرهنگ و ارشاد) و قاضی زاده هاشمی (وزیر بهداشت) برای سفر به عربستان بود که از این میان آقای قاضی زاده هاشمی مجبور شد به عنوان پزشک نه وزیر به کشور عربستان سفر کند. اما با توجه به بازگشت مثال زدنی عزت به پاسپورت در این دولت، بالاخره با همکاری آقای ظریف مجبور شدند دست به دامان کویت و قطر بشوند و با پادرمیانی این دو کشور موفق به پرواز به عربستان بشوند.

۳- صادر نکردن ویزا برای آقای حمید ابوطالبی نماینده ایران در سازمان ملل که توسط دولت تدبیر و امید معرفی شدند و این در حالی است که به گفته ی منابع خارجی این عمل تاکنون سابقه نداشته است ولی برای اولین بار اتفاق افتاد.

۴- تجاوز پلیس سعودی به دو نوجوان ایرانی

۵- اخراج ۶۴ دانشجوی ایرانی در رشته‌های هسته‌ای و فناوری‌های نوین در نروژ

۶- ماجرای کشتی امدادرسان شاهد و ندادن ویزا به مسافران این کشتی برای بازگشت هوایی به کشورمان توسط کشور جیبوتی.

از آنجایی که این شعار از همان ابتدا یک نوع انفعال در بازگشت عزت به پاسپورت و غرور ایرانی بوده، در گوشه و کنار شاهد اتفاقات زیادی بودیم، از جمله: ضرب و شتم خانم های ایرانی در فرودگاه استانبول، بازداشت معلمان ایرانی در امارات، که در آخر آنها را با سرهای تراشیده تحویل گرفتند و موارد دیگر که بعد ها به آنها خواهیم پرداخت.

در پایان باید به آقای روحانی یادآور شویم که، بله آقای روحانی همان طور که خودتان فرمودید: مردم ما زندگی عادلانه و نه شعارگونه می خواهند، آنها عدل را در عمل می خواهند، مردم ما عمل می خواهند نه شعار، شعار عزت دادن باید با عمل سازگار باشد، اما بقول معروف « **به عمل کار برآید به سخنرانی نیست**».

۱۱سپتامبر دیگری در پاریس!؟

در این روزهای اخیر مهم ترین خبر رسانه های دنیا به حادثه تروریستی پاریس اشاره می کنند و آن را مورد تحلیل قرار می دهند. حادثه ای که درآن تعداد زیادی از انسان ها و مردم فرانسوی کشته و یا زخمی شدند، که واقعا قلب انسان آزاده از این حادثه ناراحت و متاثر می شود. برای اینکه این حادثه را بهتر بتوانیم تشریح کنیم و یا اینکه چرا این حادثه اتفاق افتاد می توان به چند نظریه رسید که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

۱. از آنجایی که با توجه به شواهد و گزارشات در می یابیم که داعش حاصل تفکرات و بازی های سیاسی غرب بویژه آمریکا، فرانسه و انگلیس هست. طبق فرمایش مقام معظم رهبری در چند ماه قبل که فرمودند: « برخی از کشورهای منطقه با کمک به گروههای تکفیری از کشتار و جنایات آن ها در سوریه و برخی کشورهای دیگر حمایت می کنند، اما در آینده نه چندان دور، این گروه های تکفیری بلای جان همان کشورهای حمایت کننده خواهند شد و در نهایت مجبور خواهند شد که با هزینه زیاد آن ها را از بین ببرند. از آن جایی که طبق گفته روزنامه نگار و تئوریسین های غربی مانند: روزنامه نیویورک تایمز، که حمله تروریستی پاریس دومین حمله تروریستی بعد از یازده سپتامبر بوده است و این حادثه شباهت های زیادی به ۱۱ سپتامبر آمریکا و فروریختن برج های دو قلوی نیویورک دارد. شاید می توان گفت که این حادثه هم می تواند دلیلی باشد بر تجاوز به کشورهای خاورمیانه به بهانه مبارزه با گروه های تکفیری

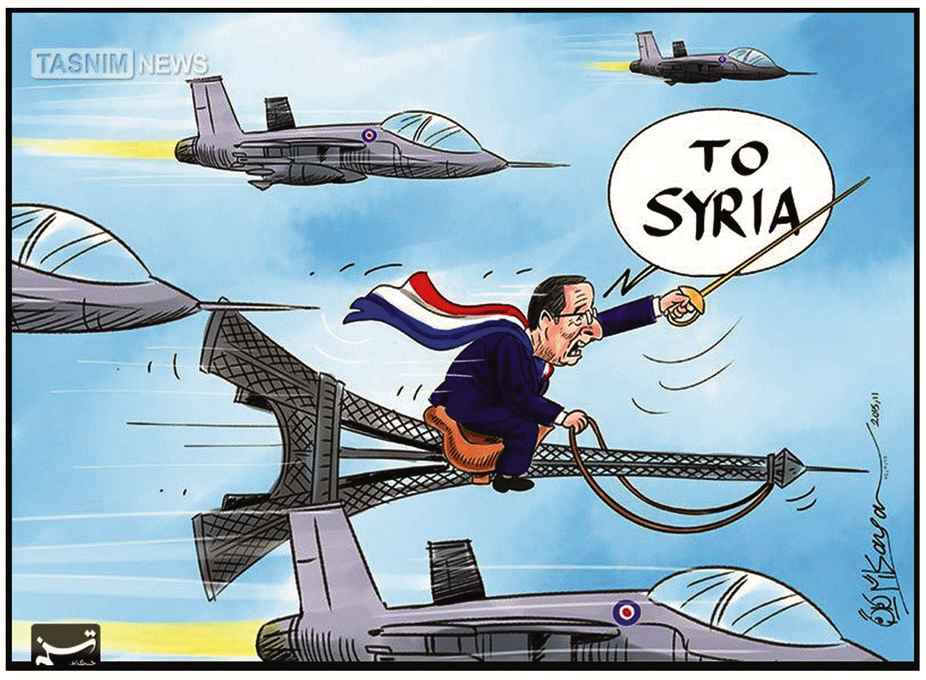

وتروریستی اما اینبار با وسعت بیشتری نسبت به حمله آمریکا به افغانستان و عراق البته در طی این سال ها با کشتار افراد زیادی اعم از کودکان، زنان، نوجوانان و مردم غیر نظامی که انجام دادند نتوانستند به اهداف به قول خودشان صلح آمیز که مبارزه با سلاح های کشتار جمعی بوده دست یابند .

۲. نکته دیگر این است که همان طور که آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر در افغانستان گروه القاعده را ایجاد و تجهیز کرد اما بعدها برای خودشان معضل و سدی در برابر آنها شد، گریبان خودشان را هم نیز گرفت. پس باید گفت که «پس شد آنچه باید می شد»،که این جریان تروریستی و تکفیری دامن مادر ها و پدر های خود را نیز گرفت که در اینجا به جمله ی مذکور مقام معظم رهبری می رسیم.

۳. امکان برقرار کردن راهی برای نفوذ همه جانبه غرب و بویژه آمریکا در منطقه با تعداد کشور های بیشتری که ادعای مبارزه با تروریسم دادند.

۴. رسیدنِ آمریکا و دوستانش به این نتیجه کَه باید پازل مذاکرات را در مورد مسائل سوریه و منطقه خاورمیانه به گونه ای تغییر داد و از سبک کنونی خارج شود.

۵. افزایش دادن تفکر اسلام هراسی و اسلام ستیزی در اروپایی که پس از نامه مقام معظم رهبری به جوانان اروپایی و حتی قبل از آن در حال تبدیل شدن به کشورهایی با مردم مسلمان بودند.

در آخر ضمن ابراز تاسف و هم دردی با حادثه دیدگان این حوادث تروریستی برخود لازم میدانم به مسولین و مردم یادآور شویم که ممکن است روزی این گروه ها وبال گردن خودمان شوند، پس علاج واقعه قبل از وقوع است.

در پایان لازم است به رییس جمهور عزیزمان خسته نباشید بگوییم که چرا در حادثه تروریستی فرانسه که روز جمعه اتفاق افتاد ایشان پیام تسلیت فوری ارسال کردند ولی برای حادثه تروریستی شهر ضاحیه لبنان که روز پنجشنبه اتفاق افتاد و مردم مسامان، دوست و همسایه لبنان کشته و زخمی شدند پیام را با تاخیر و بی تفاوتی ارسال کردند. آیا مگر بین مردم دنیا باید تبعیض قائل شویم. اکنون این سوال به ذهن می آید که این برخورد دوگانه نسبت به این حوادث آیا حرکتی در امتداد کدخدا پذیری نیست ؟

طلوع

نشریه فرهنگی ، سیاسی، اجتماعی، صنفی، آموزشی، دانشگاهی انجمن اسلامی ۱۳۵۸

ANJOMAN ESLAMI DANESHJOOIAN 1358 STUDENT JOURNAL * NOVEMBER 2015

اقتصادی اجتماعی

احمد هوبر(اندیشمند اهل سوئیس):

تمام انقلابیون قرن ما نظیر لنین، مائوتسه تونگ یا آدولف هیتلر و موسولینی! یک انقلاب سیاسی و اجتماعی را به وجود آوردند؛اما چون آنان بویی از مذهب نبرده بودند، راه و روش هایشان امروزه کهنه شده و طرفدارهایشان به پایان خط رسیده اند، ولی امام خمینی رحمه الله اولین رهبر مذهبی است که دین، سیاست و فرهنگ را یک جا به کار گرفته و به همین دلیل نیز ادامه خواهد یافت.

سپاه چهارمین قدرت موشکهای زیرزمینی جهان شد

صادق فتح نیا

از زمان ورود موشک های بالستیک به خدمت ، در زمان جنگ دوم جهانی تا به امروز، یکی از چالش های بزرگ برای دارندگان این موشک ها نگهداری آن از حملات متقابل موشکی و هوایی دشمن است؛ چالشی که از همان ابتدا باعث به وجود آمدن خلاقیت ها و پیشرفت تکنولوژی در حوزه های مختلف شده است . با آغاز جنگ سرد، دو ابرقدرت شرق و غرب به سرعت وارد یک رقابت موشکی شده و به طراحی و آزمایش موشک های گوناگون پرداختند. در ابتدا بسیاری از موشک های قاره پیمای آمریکا و شوروی سابق از روی پرتابگرهای ثابت شلیک و بعد از مدتی پرتابگرهای متحرک و زیردریایی های حامل موشک های بالستیک نیز وارد کار شدند .اما با توجه به حجم بالای تهدید دو طرف علیه یک دیگر و نیاز به ذخیره حجم بالایی از موشک، در دهه ۱۹۶۰ میلادی دو طرف به ساخت سیلوهای موشکی زمین پرتاب پرداختند. این سیلوها در آمریکا در اختیار نیروی هوایی این کشور و در شوروی سابق و روسیه فعلی در اختیار واحد موشکی استراتژیک قرار دارد. در ادامه بحث تونل های وسیع نگهداری موشک ها و سیستم های مرتبط به آنها و قطارهای حامل موشک با قابلیت پرتاب از آن ها نیز در آمریکا و شوروی سابق به وجود آمد. البته قطارهای

پرتاب کننده موشک عمدتا بعد از پایان جنگ سرد از خدمت خارج شدند. کشور چین نیز از دهه ۱۹۷۰ با تشکیل یگانی موسوم به "سپاه دوم توپخانه" فعالیت های موشکی نظامی خود را به این یگان سپرده است. چینی ها علاوه بر سیلوهای زیرزمینی، چیزی در حدود ۵۰۰۰ کیلومتر تونل زیر زمینی نیز در کشور خود حفر کردند که بخش زیادی از تاسیسات موشکی این کشور را در خود جای داده است . در تمام این دوران سه کشور آمریکا، روسیه و چین به عنوان تنها دارندگان رسمی تاسیسات پرتاب موشک زیرزمینی شناخته می شدند که هر ۳ کشور نیز از قدرتهای برتر موشکی جهان هستند. تا اینکه در سال ۱۳۹۰ شمسی، این باشگاه بسیار کوچک عضو جدیدی پیدا کرد. در تیرماه سال ۱۳۹۰ و در جریان رزمایش موشکی پیامبر اعظم ۶، نیروی هوافضای سپاه پاسداران از سیلوهای پرتاب موشک های بالستیک ایرانی رونمایی کرد. بنا بر اعلام فرماندهان ایرانی، تعداد بالایی از این سیلوها در نقاط مختلف کشور ساخته شده و موشک های ایرانی در آنها آماده پرتاب هستند. این سیلوها بقاء پذیری موشک های ایرانی در برابر هر گونه حمله اولیه را شدیدا افزایش می دهند. شناسایی این سیلوها شدیدا مشکل بوده و از لحظه باز شدن درب پرتاب گرها تا زمان شلیک موشک چند ثانیه بیشتر طول نخواهد کشید . شهر موشکی سپاه که در عمق ۵۰۰ متری تاسیس شده و برای اولین بار تصاویری از آن در رسانه ملی پخش شد، شامل تونل ها و بخش های متعدد و وسیعی بود که تعداد بسیار زیادی از پرتابگرهای موشکی که مجهز به موشک قدربودند دیده می شد .موشک قدر که یکی ازجمله موشک های بالستیک و دوربرد سپاه است که در ۲ نوع f و h تا کنون ارائه شده که نمونه اول، ۲هزار و نمونه دوم ۱۷۰۰ کیلومتر برد دارد. ونیزموشک «سجیل» از دیگر موشکهای مهم و بالستیک سپاه با برد ۲هزار کیلومتر است. در آن مستقر بوده و در شرایط آماده برای شلیک، به سر می بردند.در صورت لزوم این پرتابگرها با خروج از پایگاه زیر زمینی مورد نظر، موشک های خود را به سمت اهداف مورد نظر شلیک کرده و می توانند به سرعت موقعیت مورد نظر را ترک کنند. نکته بسیار مهم درباره این شهر موشکی که به گفته فرمانده نیروی هوافضای سپاه، در مناطق مختلف کشور و به تعداد زیاد وجود دارد این است که عمقی که برای این تاسیسات در نظر گرفته شده است احتمال شناسایی شدن آنها توسط ماهواره های دشمن را بسیار بسیار مشکل می کند.در عین حال نفوذ بسیاری از بمب ها و موشک های شناخته شده در دنیا به این عمق نیز غیر ممکن است. برای نمونه بمب bub ۵۷ آمریکایی که بیش از ۱۳ تن وزن دارد و یکی از سنگین ترین بمب های نیروی هوایی آمریکا محسوب می شود نهایتا می تواند در ۶۰ متر نفوذ کند.همچنین احتمال بسیار زیادی وجود دارد که با توجه به توانایی های رونمایی شده در سال ۹۰، این شهرهای موشکی با سیلوهای موشکی زیز زمینی سپاه ارتباط داشته باشند و بخشی از نیازمندی های سیلوهای موشکی سپاه که عمدتا در فاصله نزدیک تری از سطح زمین قرار دارند از این شهرهای زیر زمینی تهیه شود . آنچه که مشخص است نصب موشک های بالستیک سپاه بر روی پرتابگرهای متحرک، بقاء پذیری این موشک ها را شدیدا افزایش داد و حال با حضور این لانچرهای آماده به شلیک در عمق ۵۰۰ متری، کشف و انهدام آن ها کاری غیرممکن شده است. جمهوری اسلامی ایران با نمایش این اقدام مهم، نشان داد که در بخش تاسیسات موشک های بالستیک زمین پرتاب، کاملا در حد و اندازه های یک ابرقدرت جهانی ظاهر شده است.

از اقتصاد مقاومتی تا اقتصاد وارداتی

محمدامین بیدلی

اقتصادمقاومتی، اصلاحی است که در سال۱۳۸۹ اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان مطرح شد و پس از آن نیز در سخنرانی های متعدد مورد تاکید ایشان قرارگرفت، اقتصاد مقاومتی معنایش حصارکشیدن دور خود و انجام یک کارهای تدافعی نیست؛ بلکه اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که به یک ملت امکان و اجازه میدهد که حتی در شرایط تحریم هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند، که در این مقاله دو مولفه آن بررسی خواهیم کرد.

۱: تاکید بر مدیریت مصرف، پرهیز از اسراف ؛

قرآن کریم دربارهٔ اصلاح الگوی مصرف و بهینه مصرف نمودن می فرماید:« کلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقّهُ یوْمَ حَصادِهِ وَ لاتُسْرِفُوا إِنّهُ لایحِبّ الْمُسْرِفینَ»؛ (از آن میوه هنگامی که به ثمر می نشیند، بخورید و حق آن را به هنگام درو بپردازید و اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد). امام علی (ع) نیز در این باره می فرمایند« سَبَبُ الفَقرِ الإسرافُ»؛ (سبب فقر، اسراف است). هم چنین در سخن دیگری فرموده است : « إعطَاءُ المَالِ فِی غَیرِ حَقّهِ تَبذِیرٌ وَ إسرَافٌ»؛ (خرج کردن به ناحق ، حیف و میل و اسراف است).این نکته یک از رکن های مهم اقتصاد مقاومتی است، یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف این مولفه را هم مردم و هم دستگاه های دولتی باید در زندگی روزمره مورد توجه قرار بدهند. حالا مثالی ذکر می کنیم تا بیشتر با اهمیت این بعد اقتصاد مقاومتی آشنا شویم: اگر در خرداد سال جاری قیمت هندوانه را می پرسیدن سرتون سوت می کشید. برای خریدن یک کیلو هندوانه می بایست نزدیک به دو هزارتومان پول پرداخت می کردید حال بر می گردیم به سه ماه قبل؛ شهریور ماه هندوانه از کشاورزان زیر ۱۵۰ تومن خریداری میشد اما در بازار ۵۰۰ یا کمی بالاتر فروخته می شد. این مسئله باعث شد حتی بعضی کشاورزان نتوانند محصول خود را روانه بازار کنند چون با این قیمت ارزش نفروختن آن از فروختنش بیشتر بود، نکته جالب این است که برای هر هندوانه ۳۰۰ لیتر آب مصرف می شود که با یک حساب سرانگشتی ضرر هنگفتی به آب های زیرزمینی همچنین به اقتصاد کشاورزان که یکی از قشرهای مهم برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی هستند به بار می آمد. این زیاد شدن بدون حساب و کتاب عرضه یک محصول نشان می دهد هیچ برنامه ریزی و مدیریتی اعمال نمیشود و بالعکس خود باعث اسراف حتی خراب شدن محصول خواهد شد .

۲: استفاده بشتر از تولید داخلی؛

مولفه دیگر بعد اقتصاد مقامتی این است که هم مردم و دستگاه های دولتی به خصوص مدیران دولتی به این اصل توجه داشته باشند که به دنبال محصولات و کالاهای با برند خارجی نباشیم البته زمانی مردم می توانند نسبت به مصرف داخل اشتیاق پیدا کنند که واحدهای تولیدی کالای با کیفیت تولید کنند و هم حمایت های از سوی دستگاهای دولتی واحدهای تولیدی داشته باشند که متاسفانه به گفته خیلی از صاحبان این واحدهای تولیدی، واردات بی رویه موجب تعطیلی این واحدها می شود. در شهریورماه سال جاری بالغ بر ۱۷۰ میلیون دلار کالای آمریکایی وارد کشور شده است. لیست اقلامی که طی سال های و ماه گذشته اعلام شده حاکی از آن است که کالاهای آمریکایی وارد شده به کشور بالغ بر ۱۱۰ نوع کالا بوده است که می توان به؛ اسپرم گاو، واکسن های مشابه تولید داخل، گریس، سنگ گچ ، جو ، بادام و ... اشاره کرد. اما مهمترین مساله این است که ما باید نگاه انتقادی به شیوه زندگی خودمان داشته باشیم و از کالای داخلی استفاده کنیم. در پایان این نکته را متذکر بشویم که باید به فکر اشتغال جوان های خودمان باشیم و با مصرف نکردن کالای داخلی زمینه را برای بیکارشدن این جوان های مستعد دارای تخصص و تعهد فراهم نکنیم. .

دانشجوی شهید حمید رضا بااطمینان(دانشجوی کارشناسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت):
ای امت اسلام و ملت ایران! به عنوان یک شهید اگر خدا قبول کند از شما می خواهم دین خدا را یاری کنید و برای احیاء اسلام و احکام قرآن بپا خیزید. آنچه وظیفه شماست انجام دهید و هیچ هراسی به دل راه ندهید که خدا پشتیبان شماست.

نشریه فرهنگی ، سیاسی، اجتماعی، صنفی، آموزشی، دانشگاهی انجمن اسلامی ۱۳۵۸
ANJOMAN ESLAMI DANESHJOOIAN 1358 STUDENT JOURNAL * NOVEMBER 2015

امام حسین(ع) از منظر اندیشمندان جهان

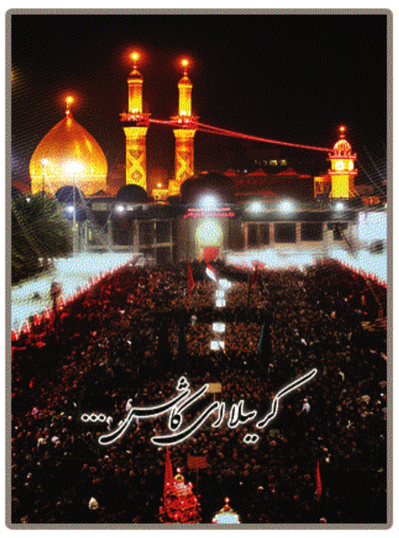

چارلز دیکنز: اگر منظور [امام] حسین جنگ در راه خواسته ای دنیایی بود من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می کند که او فقط به خاطر اسلام، فداکاری خویش را انجام داد.

آنتوان بارا: اگر حسین از ما بود در هر سرزمینی برای او بیرقی برمی افراشتیم و در هر روستایی منبری برپا می کردیم و مردم را با نام حسین به مسیحیت فرامی خواندیم.

گیبون (مورخ انگلیسی): با آن که مدتی از واقعهٔ کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه، هم وطن نیستیم مشکلاتی که [امام] حسین تحمل کرده احساسات سنگ دل ترین خواننده را برمی انگیزد، چندان که یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد.

طنطاوی(دانشمند و فیلسوف مصری): داستان حسین، عشق آزادگان را به فداکاری در راه خدا برمی انگیزد و استقبال مرگ را بهترین آرزوها به شمار می آورد چندان که برای رسیدن به قربان گاه بر یک دیگر پیشی جویند.

فردریک جمس: درس امام حسین و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیرند و هم چنین می رساند که هرگاه کسی برای این صفات مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری کند آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

فروش خودرو مهم تر از ازدواج جوانان

الان همه به ما میگن قرن بیست ویکی. امروزه بانکداری یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی یک کشور است. کشور ایران که یک کشور درحال توسعه است الان وظیفه ایجاب میکند که هر ایرانی خودش رو مسئول بداند و چاره ایی برای مشکلات داشته باشه و به فکر ارتقای جایگاه ایران باشه ولی الان من یکی که نمیدونم کار ماچیه؛ مشکل گشایی یا مشکل افرینی. در جامعه قدیم بانک ها با معاملات درسطح محدود و وام های بدون بهره و فقط مبلغ کمی برای کارمزد راه اندازی شدند ولی الان یک دختر و پسر جوان فلک زده که به فکر ازدواج افتاده اند و به اصلی ترین مشکل که هزینه است رسیده اند، برنامه ای جامعه برای آن ها چیست ؟؟؟وام. وام ازدواج. خوب با گذر از هفت خوان رستم برای ثبت نام و در آخر مبلغ این وام که به ازای هر زوج سه میلیون است که به دست عروس و داماد برسد سیصد چهارصدتومان ان در راه جیب به جیب می شود و جیب من و شما نداریم و تازه زمان پرداخت وام هم چند درصد سود میگیرن، تازه بهشم میگن وام بدون سود که دراصل و ماهیت این سود جای تردید است و پول ربا است چون هیچ اقدامی برروی این پول انجام نداده اند که ارزش ان بالابرود که وام شش میلیون را از جوان آس و پاس هفت میلیون میخواهند و اصل ماجرا این جاست که چه بسیار بدبخت هایی هستند که سال ها در دوران عقد مانده و شرایط وام که ضامن است را ندارند. سوال اینجاست جامعه و دولت اسلامی چه برنامه ایی برای این اقشار دارد؟ یک بحث دیگه اینکه می گفتند قرار است یک وام کالای ایرانی به مبلغ ده میلیون تومان به کارمندان دولتی بدهند، سوال اینجاست چراکارمندان دولتی؟؟؟ کارمندان دولتی که مشکلی ندارند و اکثرکسانی که به این وام ها احتیاج دارند در اقشار پایین جامعه زندگی می کنند و کارمند نیستند و یک سوال دیگر اینجا مطرح است که یک جوان چه گناهی کرد ه است که جوان است، چه گناهی کرده است که میخواهد ازدواج کند، همین شده است که سن ازدواج بالارفته ، همین شده است که خیابان ها پر از جوانان بیکار و باعث بروز مشکلات اجتماعی شده است. چراکسی باری از مشکلات جوان برنمی دارد!؟ چرا جوان فراموش شده است. از سال های ابتدایی درکتابهایمان مگر نخوانده ایم نیاز های اولیه انسان پوشاک و خوراک و مسکن است؟ من که یادم نمیاد خودروهم جزء نیازهای اولیه باشد که برایش بیست و پنج میلیون وام می دهند ولی وام ازدواج ۳ میلیون است، شایدم من نمیدونم که جامعه ی ما قرن بیست ویکی ها ماشین از نان شبشان واجب تر است در صورتی که اینده دوجوان که آینده سازان این مملکت برایشان اهمیتی ندارند و ماشین مدل بالا و ویراژ رفتن تو خیابون و عشق است. و شایدم من قرن بیستی هستم و خودم نمیدونم. این برنامه ریزی فقط برای عده ایی دیگر است و به تریپ دهک ما نمیخورد و آن هایی که باید سود ببرند، سود میبرند.

خانم حجاری

زن ملعبه دست جامعه ی غربی

اسلام برای حضور زنان در اجتماع استفاده از حجاب و پوششی قاعده مند را به عنوان راهکاری برای فعالیت بدون پیامد های جنبی در جامعه و حضور انسانی زن دید و نگرش غرایز طبیعی ارائه داده است.

میتوان نتیجه گرفت که حضور ارزشی زن در جامعه به این معناست که زن با عرضه ی جنبه های جنسیتی ظاهر نشود و هیچ نگاه مبتنی بر جنسیت بر او دوخته نشود.

اما دشمن با توجه به شکست خوردن در جنگ نظامی همواره فعال در جبهه های جنگ نرم و در پی سوق دادن زنان به ابتذال و فساد در جوامع اسلامی و از خود بیگانگی آنان است. زنانِ متاثر از این برنامه، سربازان مسلحی هستَند که به راحتی کشور و فرهنگ اسلامی را به مسیر مد نظر آنها سوق میدهد.

این زنان مصرف کنندگان بی اعتراض غرب و مبلغان فرهنگ بی فرهنگی اند.

امام خمینی (ره) درباره ی جایگاه زن در اسلام می فرماید: «خداوند زن را با کرامت خلق کرده است. آزاد خلق کرده است. خداوند همان طور که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زنان هم دارد. همه ی آنها برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است.

آنها که زن ها را میخواهند ملعبه ی مردان و ملعبه ی جوانان فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زنها نباید گول بخورند. زنها گمان نکنند که این زن است که باید بزک کرده بیرون برود با سر باز و برهنه. این مقام زن نیست، این عروسک بازیست.»

با توجه به سخنان امام انقلاب میتوان نتیجه گرفت که امروزه رسانه های غربی بیش از حد به دنبال ملعبه قرار دادن زنان هستند تا عزت و ارزش را از او بگیرند، با توجه به سخنان امام خمینی (ره) میتوان صلاح های رسانه های غرب را به چند مورد زیر تفکیک کرد:

۱)استفاده از کلمات مهاجم: آنها با استفاده از کلماتی چون آزادی وارد میشوند.

آنها میخواهند زن را آزاد کنند در صورتی که به آنان ظلم میکنند و او را از مقام شرافت و عزت پایین میکشند و قصدشان فاسد کردن زنان و جوانان است.

۲)ایجاد فرهنگ خودباختگی: با استفاده از واژه مد و مدگرایی حیثیت را از زنان میگیرند و با تغییر مد زنان را نیز تغییر میدهند.

۳)ترویج فرهنگ فرهنگی مآبی: علاوه بر خودباختگی، مصرف گرایی و واردات بی حد و حصر اجناس غیر ضروری را بر جامعه تحمیل میکنند. مردم را نسبت به کالاهای کشور خود بدبین میکنند و نتیجه ی آن وارد شدن کالاهای تجملاتی در مقابل ذخایر کشور است که متاسفانه متقاضی این نوع اجناس زنان هستند.

۴)تبلیغات سوء علیه اسلام: آنها میکوشند تا به زنان بگویند که اسلام عامل عقب ماندگی آنان است. میگویند زنان باید در خانه بنشینند و یک قفلی هم درش بزنند. این حرف غلطی است که به اسلام نسبت میدهند. زنان در همه مقررات اساسی کشور حق دخالت دارند.

به امید روزی که همه با بصیرت شویم...

خانم نورنیا

شهید گمنام

توکه پیداترینی! این منم که روز به روز گمنام تر می شوم.
حتما باید کاری پیش بیاید تا گذرم به دانشکده مهندسی بیفتد ،
حتما باید گیر و گرهی در تغذیه ام باشد تا مجبور شوم به سلف برادران بروم ، حتما باید اتفاقی پیش بیابد تا سری به مزارت بزنم... تازه آن هم اگر وقت داشته باشم تا فاتحه ای بادی به غبغبم بیاندازد و پشت چشمی برای عرشیان نازک کنم که آهاااای فرشته ها !! یادتون نره تو پرونده اعمالم قید کنید که سر مزار شهید گمنام فاتحه خوندما...
گفتم شهید... یاد راهیان نور افتادم. مناطقی که هنوز ندیدم و فقط وصفشو شنیدم.بچه هایی که رفتند میگن اونجا فرماندهی هنوز با خود شهداست، دستتو می گیرن و دیگه نمیفهمی کجا میری...
میگن فتح المبین معراج شهدای گمنامه ، سینه های شهدای اونجا پر از حرف ها و درددل های بچه هاست.
فکه... چقدر طنین این واژه رو دوس دارم یه حالتی داره که قلبت ناخوداگاه اشک میریزه.
بچه ها میگفتن به یه جایی میرسی به نام کانال کمیل که یه نوشته از یه شهید برای وصف حال وهواش کافیه:
« امروز روز پنجم است که در محاصره هستیم. آب را جیره بندی کرده ایم . عطش همه را هلاک کرده است همه را جز شهدا...»
شما هم ته دلتون یه اتفاقی افتاد ؟؟
سلام بر لب های تشنه شهیدان دشت کربلا
بچه ها میگن ذره ذره خاک مناطق آسمونیه . من که نرفتم اما حتی با خیالش دوس دارم سرمو بذارم روی همین زمین خاکی خودمون و یه دل سیر گریه کنم...
میگن مادر شهدای گمنام خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها ست... حتما همیشه میره سر مزارشون. حالا فکر کن توی اون حال وهوا قدم بزنی... خب بایدم تا حالا قسمت من نشده باشه! من کجا و ...؟؟؟
می بینی ؟ حالا تو گمنامی یا من از همه جا بی خبر؟! منی که اگه یه لحظه نتم قطع بشه انگار دنیا رو سرم خراب شده... منی که توی شب و روزهام گم شدم اونقدر که خیلی چیزها یادم رفته... منی که برام مهم نیس نمازمو اول وقت بخونم یا حتی اصلا... منی که باید حتما اتفاقی پیش بیاد تا یادم بیاد توی دانشگاه، مزار شهید گمنامی هم هست!
شهید گمنامی که همیشه هست
شهید گمنامی که پیداترینه
برام دعا کن منم خودمو پیدا کنم
ادامه دارد...

همانا حسین (ع) کشتی نجات و چراغ هدایت است

در صدر اسلام همواره شاهد رسوخ رگه های ملموسی از جریان سکولار با ظاهری دینی در جامعه اسلامی بوده ایم که شاید بتوان یکی از پیش زمینه های بروز واقعه کربلا را همین مسئله دانست. اگر کمی به چرایی و چگونگی کربلا بیندیشیم درمی یابیم که در قیام امام حسین (ع) می توان این نکته را دریافت که اسلام تنها احکام عبادی، اخلاقی و فردی نیست ، کما این که به طور خاص نگاهی ویژه به جامعه اسلامی و اصلاح نظام و جامعه و البته برنامه ای جامع و قوی برای این ادعا دارد .گرچه در حادثه عظیم کربلا کوفیان ، سر پاره تن پیامبر را بر نیزه کرده و اهل بیت او را به اسارت بردند ؛ اما چه کسی است که نداند خون مقدس شهدای کربلا بر مثلث شوم زر و زور و تزویر یزیدیان پیروز شد؟ اساساً نهضت اباعبدالله الحسین (ع) در درون خود از چنان ماهیت سیاسی ای برخوردار است که نگاه های غلط سکولاراندیش هیچ موقع توان این را نخواهند داشت که خلاف آن را اثبات کنند؛ وقتی سیاهی جبهه یزید را در مقابل سپیدی جبهه امام حسین (ع) متصور شویم ناخودآگاه القای تقابل دو جبهه حق و باطل در ذهن تداعی می شود که خود نمایانگر ضدسکولاریسم است ، البته در طول تاریخ، پیروان استعمار و استکبار در پرتو فعالیت برخی که خود را روشنفکر می پندارند کوشیده اند و می کوشند که در ذهن مردم و متاسفانه حتی در ذهن برخی خواص بی بصیرت، این ذهنیت غلط را جا بیندازند که مجلس روضه و گریه بر سیدالشهدا(ع) را چه به طرح مباحث سیاسی؛ اما اگر عاقلانه بیندیشیم و ژرف بنگریم به خوبی متوجه می شویم که هدف سیدالشهدا(ع) در قیام تاریخ سازش، مبنی بر احیای سیره و سنت جدش رسول خدا(ص) و امر به معروف و نهی از منکر، دارای بعد مهم سیاسی نیز می باشد، هر چند که نباید از دیگر ابعاد اجتماعی، تربیتی ، اخلاقی و ... آن نیز چشم پوشید. در واقع توجه به همین بُعد سیاسی و بعد بصیرتی عالی ترین واقعه تاریخ است که امام (ره) می فرماید: «ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است». جای تاسف است که عده‌ای قائل به حقانیت ایده جدایی دین از سیاست هستند و بر عقیده خود نیز پای می فشرند و تاسف بار تر از آن عده ای است که اسلام را با افکار و اندیشه هایی غلط و تحت تاثیر از غرب هدف قرار میدهند. اگر خوب گوش کنیم فریاد « هل من ناصر ینصرنی » را خواهیم شنید و همانگونه که عباس در سایه ولایتمداری امان نامه شمر زمانش را قبول نکرد و در اردوگاه امام زمانش ماند، ما نیز با بصیرتی عاشورایی سیاست کربلا را باید دنبال کنیم و محیطی را فراهم نکنیم که بخواهیم با شمر و یزیدیان زمانه دست سازش و دوستی بدهیم. به امید ظهور منجی جهان اسلام

سجاد نجفی

طلوع

صنفی دانشگاهی

نشریه فرهنگی ، سیاسی، اجتماعی، صنفی، آموزشی، دانشگاهی انجمن اسلامی ۱۳۵۸

ANJOMAN ESLAMI DANESHJOOIAN 1358 STUDENT JOURNAL * NOVEMBER 2015

شیخ محمد عبده از دانشمندان اهل سنت و از مصلحان بزرگ، می نویسد:

«هنگامی که در دنیا حکومت عادلی وجود دارد و هدفش اقامه شرع و حدود الهی و در برابر آن، حکومتی ستمگر است که می خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر مسلمانی یاری و مساعدت «حکومت عدل » واجب است و در همین باب، انقلاب امام حسین علیه السلام است که در برابر حکومت یزید، که خدا او را خوارکند، ایستاد.

اخبار دانشگاهی

❖ اولین کنگره شعر دانشجویی اربعین امروز با حضور جمعی از شاعران تراز اول آئینی کشور و رونمایی از این کتاب شعر در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد.

❖ مسئول فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه علامه:
همه کار فرهنگی دانشگاه علامه، شده است سخنوری، فتوشاپ و ترانه سرایی

❖ دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت:
رئیس جمهور در آخرین جلسه شورا ماموریت دادند که گزارش مستندی در زمینه اردوهای مختلط دانشجویی آماده و تذکر رهبر انقلاب پیگیری شود تا حتما جلوی این موارد گرفته شود.

❖ محمد فرهادی(وزیر علوم):
در خصوص اقدام وزارت علوم مبنی بر ممنوعیت برگزاری کنسرت و اردوی مختلط در دانشگاه‌ها: بخش نامه ممنوعیت برگزاری این برنامه‌ها از سوی وزارت علوم به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است.

❖ عضو راهیان نور بسیج دانشجویی:
نسخه کامل نقشه جامع مسیریابی برای زائران اربعین رونمایی شد

❖ مسئول ستاد اربعین دانشجویی کشور:
۱۲۵۰۰دانشجو برای پیاده‌روی اربعین ثبت نام کردند

❖ سرپرست سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی گفت:
مسابقات کشوری چهارمین دوره مناظره دانشجویی برای تعیین گروه برتر کشوری و دریافت نشان خواجه نصیر از ۲۸ آذرماه سال جاری آغاز می‌شود.

❖ دبیرخانه یازدهمین جشنواره ملی ایده‌های برتر فعالیت خود را آغاز کرد ایده‌پردازان می‌توانند ایده‌های خود را تا تا ۳۰ آبان ماه به ثبت برسانند.

❖ شوی لباس دانشجویی هفته گذشته به صورت مختلط در تالار فیروزه دانشگاه بیرجند برگزار شد.

اگر چه صنفی اما سیاسی!؟

اگرچه ممکن است من گرایش های سیاسی خود را داشته باشم ولی امروز که به کرسی مسئولیت در دانشگاه سیستان وبلوچستان تکیه زده ام و دراین مقام منصوب شده ام این گرایشات را دخالت نمی دهم، هیچ یک ازامور دانشگاه را با این گرایشات گره نمیزنم. بنده خودم هم بچه تشکلی و جزو انجمن اسلامی بوده ام تنها وتنها نیتم کمک به مملکتم است. الگو ومرام همه ی ما امام علی (ع)هستند.

این سخنان را در همان جلسه ی اول با یکی از مسئولین دانشگاه شنیدم. آن روزها تازه به این مسولیت رسیده بود واین صحبتهای آغازین آن تازه به منسب رسیده بود. حقیقتا من خیلی از این صحبتها خوشم آمد آنقدر که همه ی آنها را دردفترچه ی کوچکم یادداشت کردم. امیدواربودم و خوشحال که چه نقطه نظرات زیبا وچه دید زیباتری نسبت به امور دارد، همچنین انسان خوش فکری چه ها که نخواهد کرد. افسوس که این حال خوش زیاد دوام نداشت و چندی بعد ایشان درجلسه ی سیاسی که یکی از احزاب از بیرون از دانشگاه برگزار کردند به عنوان مسوول برگزاری شرکت کرد و بی تدبیری او درکنترل جلسه باعث هرج ومرج شد چند روز بعد کلیپی از وی روی سایت های خبری رفت که به اثبات سیاسی بودنش صحه می گذاشت ولی من خیلی خوش بین بودم. تحلیلم این بود که اتفاقی بوده و شاید شرایط او را وادار به چنین حرکتی کرده. البته این ذهنیت نیز زیاد دوام نیاورد چون مدتی بعد حرکتی عجیب تر انجام داد. دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی ارشد که به وضعیت خوابگاه هایشان معترض بودند جلوی دفتر ایشان تجمع کردند. تجمعی که با ورود او به چالش کشیده شد. بعد از دیدن اعتراض جدی دانشجویان شروع به تهدید انها کرد «که اخراجتان میکنم و...» متفرق شوید که اعتراض شما سیاسی است نه صنفی !!

یا در برخوردی دیگر با دانشجویان که برای واریز اجاره بهای خوابگاه ازمسئولین مهلت خواسته بودند گفته بود که اگر پول ندارید دانشگاه نیایید!!

البته قبول دارم این موضوع سیاسی نبود ولی چند روز بعد از این ماجرا، دانشجویان هم حزب ایشان در شورای صنفی آن زمان با اطلاع از این برخورد بد تصمیم گرفتند که جلوی دفترشان تجمع کنند ولی باز به دلیل مسایل سیاسی (که او هم حزب ماست) تجمع خود را کنسل کردند. اما از این ماجراهایی که یکی پس از دیگری اتفاق می افتد می گذرم و یکم از زمان حال بگویم.

همین چند مدت پیش در جلسه ای که یکی از تشکل های سیاسی دانشگاه (البته بخوانید سیاست زده نه سیاسی) که خود را رسما وابسته به حزب اصلاح طلبان میدانند برگزارکرد، ایشان به عنوان بازی گردان اصلی حزب سیاسیش ادای وظیفه کرد شاید به این نیت که خدا را چه دیدی شاید با وجود شرایط موجود ارتقاء مسولیت پیدا کردم؟ خیلی جالب است اگر بگویم حتی در یک مساله کوچک دانشگاهی هم مانند سرویس های ایاب و ذهاب دانشگاه ایشان نقطه نظرات سیاسیشان را مقدم بر رفاه دانشجویی و فرهنگ اسلامی میداند. سرویس هایی که به بهانه ی نداشتن بودجه ی دانشگاه مختلط شدند اما دلایل سیاسی داشت یا اقداماتی دیگری که مجال بررسی نیست. فکر کنم تا همین جا مثالهایم کفایت می کند که بگویم یا سیاست پدر و مادر ندارد یا میز مسولیت، جو دیگری دارد. البته شاید هم برداشت من از این اتفاقات غلط است.

خلاصه از این مسئولین در دانشگاه کم هم نیستند، نه بار اول است مسئولیت میگیرند و نه آخرین بار است. چرا که در همین سال تحصیلی هم چند نمونه دیگر، درجلسه های اول چنین قولهایی را دادند ولی خب کیه که بتونه باور کنه.

حکایت ترم اولی با آقای رئیس!؟

با سلام

ما بچه های شهرستانی جدید الورود و به قول ترم بالایی ها " ترمول" که در خوابگاه سکنا گزیده ایم، گاهی مورد بی مهری مسئولان دانشگاهی قرار می گیریم که بی مهری مزید بر غربت و فراق خانواده است. وضعیت خوابگاه دبیرستان آنقدر تاسف بار هست که ما دانشجویان ساکن خوابگاه تصمیم گرفتیم که این مشکلات را به گوش مسئولان دانشگاه برسانیم. از این رو شروع به تنظیم نامه ای که محتوای مشکلات خوابگاه دبیرستان بود کردیم. سپس نامه را حدود صد و هفت نفر از ساکنین خوابگاه دبیرستان یک امضا کردند. حال زمان آن رسیده بود که این نامه را به شخص رئیس برسانیم؛ که یکی از دانشجویان مسئولیت این کار را بر عهده گرفت. این دانشجو نقل میکند که به سمت ساختمان مرکزی حرکت کردم تا یک وقت ملاقات با آقای بندانی بگیرم، وارد دفتر ریاست دانشگاه شدم و موضوع را با منشی رئیس دانشگاه مطرح کردم، جوابی که شنیدم عجیب و جالب بود! می دانید چه گفت؟ رئیس وقت دیدار با دانشجو را ندارد! اما زمانی که اصرار و پا فشاری مرا دید، یک وقت ملاقات (بدون تعیین ساعت) به ما داد و گفت: یک هفته دیگر با شما تماس می گیریم. اما وعده یک هفته ی ایشان ده روز شد و با تماسی گرفته نشد. از این رو تصمیم گرفتم بار دیگر به دفتر ریاست دانشگاه مراجعه کنم که این بار منشی با دیدن من بلا فاصله گفت: برو شنبه یا یکشنبه هفته ی آینده بیا. من هم گفتم چشم و البته میدانستم که این داستان سر دراز دارد. سر موعد تعیین شده در دفتر ریاست دانشگاه حاضر شدم اما این بار تیر خلاص به تلاش و کوشش هایم زده شد، به ما گفته شد که رئیس وقتشان پر است و سرشان شلوغ است، نمی- توانند شما را ببینند، و گذشت ما هم گذشتیم، تا روزی که آقای بندانی به شخصه و به صورت سرزده به خوابگاه دبیرستان یک مشرف شدند، آنجا بود که از خود آقای بندانی وعده دیدار گرفتم در این موقع در پوست خود نمی گنجیدم که توانسته ام اندکی برای دوستانم در خوابگاه دبیرستان کاری بکنم. دو باره سر موعد تعیین شده به دفتر رئیس مراجعه کردم اما با کمال تعجب منشی خطاب به من گفت: آقای بندانی حضور ندارند و در جلسه هستند. اینجا بود که دیگر از ملاقات با رئیس منصرف شدم. باز هم گذشت و ما گذشتیم.

چندی پیش کتابی از زندگی نامه یکی از شهدا را می خواندم؛ قسمتی از این کتاب مرا به فکر فرو برد. این شهید بزرگوار یکی از فرماندهان لشکر، در جبه های حق علیه باطل بوده اما تواضع و فروتنی او به گونه ای بود که خیلی از همرزم های شهیدش نمی دانستند که او فرمانده لشکر است. یکی از دوستان شهید نقل می کند که برای نماز شب بلند شده بودم که در کمال تعجب دیدم این شهید بزرگوار در حال جفت کردن پوتین های نیروهاست. حاشا به مقامات و مسئولان زمان ما که بجای رسیدگی به مشکلات مردم فقط به فکر تجمل گرایی و ریاست محوری می پردازند حال آنکه آرمان حکومت ما چیز دیگری است که ما از آن فاصله گرفته ایم. اهای مسئولین قیامتی هم هست...

صاحب امتیاز:
انجمن اسلامی دانشجویان ۱۳۵۸
دانشگاه سیستان و بلوچستان
مدیر مسئول:
حسن کاربخش راوری
سرپرست نویسندگان:
حسین بانشی
طراح و صفحه آرا:
محمدرضا نظری
نویسندگان:
حسن کاربخش، حسین بانشی، محمدرضا نظری، امین بیدلی، صادق فتح نیا، مرتضی زمانی، محمدحسین نبوی، سجاد نجفی، علی بامری، حسین اکبری، خانم ها مرگان، حجاری، نورنیا و دوستان دیگر که ما را در تهیه این نشریه همکاری کردند

دانشگاه پلی برای صعود

حسین اکبری

دانشگاه جایگاهی برای رسیدن انسان به کمال. جستجو و تلاش در مسیر یادگیری علم برای خدمت به انسان ها، خود نوعی کمال است . کسب فرهنگ گذشت و صبر از زندگی در خوابگاه، با کسانی که فرهنگ و روحیاتی متفاوت نسبت به هم دارند، می تواند پله صعود دیگری برای برای رسیدن به کمال باشید و همچنین آنکه خود را در مسیر و هدف دانشگاه، یعنی پرورش انسان هایی که آینده را می سازند، قرار دهیم؛ می توان گفت کمال دراین است که یک دانشجو با وجود همه بیراهه ها بر سر راهش، مسیر و راهی برگزینند که به خشنودی معبود هستی منتهی گردد و چه چیز بالاتر از خشنودی از خالق از مخلوق است. اما یادمان باشد، ما که الان در دانشگاه مشغول هستیم، برای چه هدفی به اینجا آمده ایم و بدانیم که چه سرمایه های ارزشمندی برایمان صرف شده، ازجمله آنهایی که راحتی و پیشرفت مردم را به جان گرانمایه خود ترجیح دادند و در مقابل دشمن قدعلم کردند. پدر و مادر عزیزمان، که با هزار امید و آرزو ما را راهی دانشگاه نمودند تا خوشبختی و کمال فرزند خود را ببینند چه بسا هزینه ها مادی و معنوی را یا دیگر هزینه ها که صرف ما می شود، تا بتوانیم باعث پیشرفت خود و کشورمان باشیم. اما چقدر دور از شان یک انسان دارای وجدان است که اگر این ها را بداند و از فرصت و موفقیت تحصیل در دانشگاه حداکثر استفاده را نبرد، وای برحال کسی که از این موقعیت به نحو احسن استفاده نکند زیرا که او حتی به خودش هم ظلم کرده است، زیرا عمرش رفته و نتیجه ای سودمند حاصل نیامده است.

ستون پیامک

۰۹۱۳**۴۹۱۴: سلام آقا به گوش مسئولین برسونید که بجای اینکه این همه غذای تکراری بدن و از تنوع غذایی کم کنید، لااقل ماهی و کوبیده رو که خوب بود برگردونید به برنامه غذایی. با تشکر

۰۹۱۵***۶۱۲۵: با مختلط شدن اتوبوس ها خیلی از وقت ما هدر میره. بجای اینکه معطلی کمتر بشه حالا باید معطل باشیم تا ۹ تا ایستگاه رو دور بزنه تازه این فشار قبرو تو اتوبوس رو چطوری تحمل کنیم.

۰۹۳۶***۲۲۵۰: وای این چه دانشگاهی!!! اینجا بیشتر به قهوه خونه و شیره کش خونه میخوره. اصلا اطراف سلف و بوفه دوستی نمی تونیم نفس بکشیم، توی خوابگاه ها رو که نگو دیگه! هر کی هر نوع چیزی بخواد تو خوابگاه گیرش میاد دیگه لازم نیست بره بیرون و بخره. بابا حراست و معاونت دانشجویی این دود و دم رو جمع کنید توروخدا.

۰۹۱۷***۶۱۰۸: آقا یه کاری کنید که این بروکراسی اداری برای دانشجو به حداقل برسه مخصوصا فارغ التحصیل ها. الان کلی وقته که باید فارغ التحصیل بشم ولی هنوز دارم تو روال اداری دنبال مسئولین می دوم.

۰۹۱۳***۱۵۲۴: می خوام هم اتاقی های جدیدمو معرفی کنم؛آقا موشه و خانم سوسکه دوست های جدیدن که پیدا کردم. چقدر خوبن اینا

آزمون اقتدار پذیری ...!؟؟

چند وقتی است که منتظریم تا اقتداری از شما ببینیم. به فشارهای اطرافیان توجه نکنید و مقتدر باشید. ما همچنان شما را دوست داریم

اندر احوالات امور خوابگاه ها

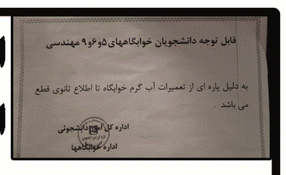
قابل توجه دانشجویان خوابگاههای ۵و۶و۹ مهندسی
به دلیل پاره ای از تعمیرات آب گرم خوابگاه تا اطلاع ثانوی قطع می باشد.
اداره کل امور دانشجویی
اداره کل خوابگاهها

بعضی وقتا تو کل دنیا یک اتفاقاتی می افتد که بابت اون اتفاقات ستاد بحران تشکیل میشه. تو دانشگاه ما هم گاهی اوقات یک مشکلاتی بوجود می آید که بعضا مسئولین زیربط ستاد بحران که تشکیل نمیدن که هیچ! چنان بحرانی با دست و پاچه شدنشون درست میکنن که دانشجوها هم عواقب این دست و پاچگی را با جون و دل لمس میکنند. مثلا همین اطلاعیه اداره امور خوابگاه ها که چند هفته ی پیش توی تابلو اعلانات خوابگاه های مجتمع رضوان چسبانده شد با این خبر که« به دلیل پاره ای از تعمیرات آب گرم خوابگاه تا اطلاع ثانوی قطع می باشد» همانطور که مشاهده میشه این اطلاعیه نه تاریخی داشت نه زمان شروع و پایانی داشت تا آنجا که حدود بیش از یک هفته این اطلاعیه سر جایش بود و همه دانشجویان این خوابگاه ها گیج شده بودند که برن حموم، نرن حموم، یا استرس داشتند که نکنه نیازی بشه که صبح زود بروند حموم، خلاصه تو این هفت هشت ده روز بعضی از دانشجو های بیچاره بدون چک کردن وجود آب گرم، میرفتند خوابگاه های دیگر حمام... . در آخر باید بگم که مسئولین اداره خوابگاه ها لطفا در اینجور مواقع استرس خود را کنترل کرده و با این نوع اطلاعیه دادن، کلی دانشجو را حاج و واج نزارید.

مطالب مطرح شده در این نشریه صرفا دیدگاه انجمن اسلامی دانشجویان ۱۳۵۸ نمی باشد

پل های ارتباطی ما و شما؛

۳۰۰۰۷۴۷۷۰۰۰۳۳۰

anjomanislami.usb@gmail.com

www.aed58usb.blog.ir